

بیانیه والا حضرت آقا خان در کنفرانس فراهم محیط مناسب در کابل – افغانستان

4 جون 2007

بسم الله الرحمن الرحيم

جلالتماښ رئیس جمهور کرزی
عالیجنابان
مهمانان عالیقدر
خانم ها و آقایان

برای من جای بس خوشی و افتخار است که امروز با همه شما هستم. ما مراتب امتنان خود را به همه آنهایی که فداکاری آنها تدویر این کنفرانس را ممکن ساخت، به صورت خاص به رئیس جمهور کرزی و حکومت افغانستان به خاطر نقش مرکزی آنها و هم چنین به صدراعظم شوکت عزیز، که قرار است در جلسه اختتامیه فردا شرکت کند، ابراز می نمایم.

اجازه دهید از صدراعظم بدای به خاطر علاقمندی عمیق ایشان به موضوع این کنفرانس و به خاطر اینکه مالیزیا یک نمونه موفق، کثرت گرایی کشور اسلامی ای را که با اصول اخلاقی اسلام رهنمایی می شود، ارائه نموده، عمیقاً تشکر نمایم. این دست آورد چیزی است که تمام جهان اسلام می تواند به آن افتخار کند.

ما به پنجاهمین سالگرد استقلال مالیزیا در ماه سپتامبر امسال نزدیک می شویم. بنابراین این لحظه مخصوصاً مناسب است که سابقه مالیزیا را به عنوان نقشی نمونه برای امت و تمام جهان در حال توسعه تبریک بگوییم.

من بطور خاص از این سالگره های پر اهمیت پنجاه سالگی آگاهی دارم، چنانچه من در ماه جولای، پنجاهمین سالگرد دوره امامت مسلمانان شیعه اسماعیلی را تکمیل خواهم نمود.

به منظور یادبود و قدردانی از این دو سالگرد، مناسب است تا ما در مورد محیط مناسب برای انکشاف صحبت کنیم، زیرا این موضوع مرکزی داستان مالیزیا از زمان استقلال آن کشور بوده، همانگونه که یک موضوع اساسی امامت را نیز تشکیل می دهد. در حقیقت در مراسم تجلیل شخصی دیگری که 25 سال قبل بود - من در مورد موضوع محیط مناسب در یک کنفرانس در ناپروبی صحبت نمودم.

طی 25 سال پس از آن کنفرانس ما در مورد ماهیت محیط رشد اقتصادی چیزهای زیادی را آموخته ایم. در میان چیزهای دیگر، ما این را آموختیم که چگونه خود را از قید افسانه های بیش از حد ساده ای که انکشاف چگونه کار می کند، آزاد سازیم.

از اصطلاح "محیط مناسب" دو مفهوم برداشت می شود که من امروز در مورد آنها تاکید می ورزم. یکی این که شرایط مناسب برای پیشرفت می تواند بسیار پیچیده باشد، یعنی اینکه تمام

محیط قوت‌های متقابلاً اثر گذار باید باهم یکجا جمع شوند تا انکشاف واقعاً بتواند ریشه گرفته و پویا شود.

دوم اینکه، این اصطلاح به این واقعیت اعتراف میکند که محیط سازگار تنها یک شرط توانبخش است و به تنهایی کافی نمی‌باشد. عنوان کنفرانس ما در مورد محیطی صحبت نمی‌کند که مسایل را حل کند، بهبود بخشد، یا پیشرفت دهد و یا بر آنها غلبه نماید، بلکه در باره محیطی حرف می‌زند که توان می‌بخشد، در نهایت پیشرفت‌های انسانی باید از قلب و روان انسان مایه بگیرد. محیط توان می‌بخشد، اما این روح انسانی است که در نهایت به اراده ازی رسیده و پیروزی بدست می‌آورد. آن چیزی که محیط را توان می‌بخشد این است تا چوکات دلخواهی ایجاد کند که در آن فعالیت‌های انسانی ثمربخش باشند.

وقتی که من روی این موضوع در گذشته صحبت کرده‌ام، بر شرایطی نظیر ثبات سیاسی، امنیت شخصی و ساختاری، حقوق شهروندان، روش‌های دیمکراتیک قابل پیشبینی، چوکات کار حقوقی و اداری منظم، حساس، غیرجانبدار و موثر تاکید ورزیده‌ام. در حالیکه مسئولیت این مشکلات به صورت کل مربوط به دولت می‌شود، بر این باورم که اصول اخلاقی اسلامی در دستیابی به آنها کمک زیاد می‌نماید، به صورت خاص اهمیتی که اسلام بر میانجیگری و مصالحه قایل است.

گذاشتن تهداب سیاسی دولتی اولین قدم مورد نیاز در ایجاد محیط مناسب است، اما حتی حکومت‌های موثر فقط تا حدی می‌توانند کمک کنند. به همین خاطر است که در سال‌های اخیر در مورد این دو سکتور بیشتر صحبت کرده‌ایم: اولی آنچه که من آن را نقش "جامعه مدنی" می‌خوانم و دیگری ظرفیت‌های سکتور خصوصی است.

منظور من از جامعه مدنی ساحه‌ای از فعالیت‌ها است که نه دولتی است و نه تجاری، ساختارهایی است که در جهت ترقی عرضه کالای عامه کار می‌کنند اما از نیروی خصوصی استفاده می‌برند. این‌ها شامل ساختارهای غیر تجاری و غیر دولتی‌اند که در ساحات تعلیم، بهداشت، ساینس و تحقیق فعالیت می‌کنند. آنها در برگیرنده انجمن‌های مسلکی، تجاری، کاری، قومی و هنری بوده و شامل آنانی نیز می‌شود که خود را وقف خدمت به دین، مبادله ارتباطات (کمونکیشن) و محیط زیست نموده‌اند.

البته، سکتور مدنی شامل سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نیز می‌شود که حضور نمایندگان‌شان در این کنفرانس چشمگیر است. اما این‌ها به طور فزاینده‌ای از درون باشندگان محلی رشد می‌کنند. این موضوع در رابطه با افغانستان بیشتر صدق می‌کند، جایی که احساس وسیع تعهد محلی وابسته به قریه‌ها در روستاها و مناطق نزدیک به شهرها یک نیروی ضروری برای انکشاف را تشکیل می‌دهد.

در سراسر جهان رو به انکشاف می‌بینیم که بر ظرفیت‌های سازمان‌های بومی به خاطر پاسخگویی به سوالات توسعه بیشتر تاکید صورت می‌گیرد. یعنی به شیوه کار از پائین به بالا بجای شیوه کار از بالا به پائین تاکید می‌شود. انجمن‌های داوطلبان قریه، برای مثال، به پیاده کردن پروژه‌هایی اقدام می‌کنند که زمانی در ساحه کاری سیاستمداران قرار داشت. این پروژه‌ها شامل

ایجاد سیستم آب و فاضله آب، ساختن جوی‌ها برای آبیاری، ارائه خدمات تعلیمی و کمک به معیارهای صحتی و بهداشتی می‌گردد.

با ذکر این همه مطالب، من نمی‌خواهم اهمیت نقش حکومت را نادیده بگیرم. نقش جامعه مدنی مکمل نقش دولت است و در رقابت به آن قرار ندارد. عین مطلب در مورد شریک سوم در اتحاد بزرگ برای انکشاف، یعنی بخش خصوصی، تجارتي، نیز صدق می‌کند.

در سرتاسر جهان شرکت‌های خصوصی خورد و بزرگ به یک منبع انرژی در حال افزایش برای پیشرفت و ترقی تبدیل شده‌اند. آنها به صورت فزاینده مسئولیت‌های اجتماعی خود را یک چیز اضافی - موضوعی که در آخر اجندای کاری روز شرکت‌ها قرار داشته باشد - به حساب نیاورده بلکه بخشی از استراتژی تجارتي خود به حساب می‌آورند. بسیاری از شرکت‌ها دفاتر خاص و یا بنیادهایی را به خاطر رهبری این نوع فعالیت‌ها ایجاد کرده و قسمتی از عایدات خود را برای تمویل این فعالیت‌ها تخصیص داده‌اند. شرکت‌های دیگر، کارمندان خود را تشویق به دادن اعانه به شکل وقت و پول نموده و حتی معادل به پول اعانه داده شده از سوی کارمندان خود را اعانه می‌دهند.

ما یک مثال برجسته این امکان را در کابل می‌بینیم. روشن شرکت تیلیفون موبایل در افغانستان است. گرچه تنها سابقه کاری چهار ساله دارد، اما با داشتن یک میلیون مشتری و 1000 کارمند، بزرگترین شرکت در افغانستان است. روشن از دو سال به این سو شعبه مسئولیت‌های اجتماعی شرکت را ایجاد کرده است که در نوع خود اولین اداره در افغانستان می‌باشد.

روشن پروژه‌های قروض کوچکی را تمویل می‌کند که با استفاده از آن بانوان می‌توانند با فروش خدمات موبایل و ترمیم تیلیفون‌های موبایل به متشبهین مستقل مبدل شوند. همچنین روشن برای اطفال بی سرپرست محل بازی، غذا، مکتب و خدمات فرهنگی فراهم می‌کند. این شرکت در ساحه "تداوی از راه دور" با استفاده از کیبل‌های نوری و مایکروویو تماس مریضان را با داکتران لایق و وسایل پیشرفته طبی در کراچی برقرار می‌نماید.

روشن به خاطر این کار و کارهای دیگری که انجام داده اخیراً توسط یک کمیته با اعتبار بنام "کمیته تشویق شرکت‌ها به کارهای خیریه" که از اتحاد 160 شرکت عمده نمایندگی می‌کند، افتخار "مدل تجارتي الهام بخش" را نصیب شده است.

داستان روشن را به خوبی می‌دانم، زیرا بزرگترین سهامدار این شرکت هزینه آقا خان برای انکشاف اقتصادی است. اما این تنها یکی از تعداد بیشمار ابتکارات الهام بخش در ساحه تجارت می‌باشد.

می‌خواهم یک مفکوره دیگر را مطرح کنم و شاید مهمترین موضوع باشد. یقیناً که هر کدام از این سکتورها، حکومت، جامعه مدنی و سکتور تجارتي به تنهایی قادراند تا دست آوردهای بزرگی داشته باشند. ولی من یقین دارم، یکی از موانع عمده در راه انکشاف در عصر ما این است که انرژی هر سه بازی کن جدا از هم و پراکنده است. در اکثر حالات یکی از طرف‌ها به کار اقدام می‌کند بدون اینکه که طرف‌های دیگر را در جریان قرار دهد. نتیجه این کار انسان را به یاد یک دسته از گروه نوازندگان می‌اندازد که از افراد سازنده با استعداد تشکیل شده و لیکن هر کس ساز

خود را به شیوه خود می‌نوازد. نتیجه آن می‌شود تا به جای آهنگی خوش مخلوطی از صداهای ناهنجار بگوش می‌رسد. به همین ترتیب این فعالیت‌های ناهماهنگ بر مردم اثرات نابرابر و نامناسب خواهد داشت.

می‌خواهم توضیح دهم: من از اهمیت تلاش‌ها به شیوه غیر مرکزی و چند جانبه برای انکشاف انکار نمی‌کنم. اما به این باورم که اثرات مثبت کار طرف‌ها می‌تواند چند برابر باشد اگر آنها از یکدیگر درک خوبتر داشته و با هم بیشتر صحبت نموده و با همدیگر تشریح مساعی موثرتر داشته باشند.

بعضی از شما ممکن است به یاد بیاورید که چگونه بانک جهانی کوشیده است تا یک سلسله گرد همایی‌های سهامداران را دایر نماید تا زمینه هماهنگی تلاش انکشافی را فراهم نماید. به عقیده من این نوع تلاش‌ها می‌تواند خصوصاً برای افغانستان با اهمیت و با ارزش باشد، زیرا عدم مرکزیت و مجزا بودن از خصوصیت‌های جغرافیای فیزیکی و فرهنگی آن است.

اشکال افراطی تقسیم بندی یک مانع عمده در راه انکشاف در افغانستان بوده است. یک مثال بزرگی این است که بخش عمده فعالیت اقتصادی کشور - فعالیت‌ها در رابطه به تولید مواد مخدر- در خارج ساحه حاکمیت رژیم قانونی قرار دارد. در بسیاری از کشورهای در حال انکشاف با وسعت دایره قانون و توسعه فعالیت‌های قانونی و پر منفعت شدن آنها، فعالیت‌های غیر قانونی محدودتر می‌گردد. اما این روند تا اکنون در افغانستان در مراحل اولیه آن قرار دارد.

اما در ساحات مشروع و قانونی مسئله نبود ارتباط و جدایی یک چالش به حساب می‌آید. در بسیاری حالات کارهای خوبی که صورت می‌گیرد در یک گوشه انجام می‌شود. در بسیاری حالات مردمان خوبی که در این ساحه کمک می‌کنند احساس کمک به همدیگر و بینش مشترک اندکی دارند، در حالیکه چنین چیزی اثرات کار آنها را چند برابر می‌سازد. روحیه تشدید ابتکارات فردی در قلب و روان افغانها ریشه عمیق دارد. اما از این ابتکارات در چوکات نیرومندتر مشوره و همکاری می‌توان استفاده موثرتر کرد.

باید از یاد نبریم که در تاریخ سیاسی افغانستان شورای مشورتی سنتی یا لوی جرگه نقش بسیار عمده بازی کرده است. اهداف آن عبارت‌اند از اشتغال، پذیرش همدیگر و همکاری. و همین روح مشترک است که می‌تواند یک مجمع منظم از طرف‌های دخیل در انکشاف افغانستان را به شکلی که مفید باشد، بوجود آورد.

شاید مجلس امروزی ما به این روند نیروی مفید ببخشد، نه تنها با تهیه یک نقشه برای آینده بلکه باید یقین حاصل شود که این نقشه مورد مشوره جدی قرار گرفته و با گذشت زمان در آن تغییرات لازم آورده خواهد شد.

شاید بسیاری از چیزهای خوب در نتیجه این نوع صحبت‌ها بوجود آید. در میان آنها، امیدوارم، راه اندازی یک سلسله پروژه‌های مشترک میان بخش عامه و خصوصی باشد. ساحه این نوع همکاری‌ها اخیراً گسترش یافته، اما هنوز امکانات وسیعی در این عرصه وجود دارد که می‌توانند در آینده مورد بهره برداری قرار گیرند.

چنین یک شراکت به روحیه عمیق تعهد در برابر یگدیگر و حسابدهی متقابل نیاز دارد، یعنی آمادگی به کار مشترک، تقسیم مصارف و خطرات و تقسیم دست‌آوردها ضروری است.

یک مثال خوب در مورد تشریک مساعی سه جانبه عبارت است از پروژه ساختن مراکز صحتی در افغانستان. مردم محل زمین را دادند، دولت پول ساختمان را تهیه کرد و شبکه انکشافی آقاخان کارمندان آنها را آموزش داد.

یک مثال کاملاً متفاوت که من در آن دخیل بوده‌ام عبارت است از ایجاد باغ عمومی الازهر و احیای مجدد محله درب الاحمر در قاهره. حد اقل ده سازمان دولتی ملکی و تجاری از پنج کشور در این پروژه با هم یکجا کار می‌نمودند.

چنین یک شراکت یک فائده دیگر را نیز با خود دارد و آن اینکه شرکا از همدیگر مطالب زیادی را می‌آموزند. یک انجمن قریه، به طور مثال، شاید به مهارت محاسبه ابتدایی نیاز داشته باشد. یک گروه دیگر ممکن در عملی کردن پروژه‌های محلی مهارت داشته باشد اما در توسعه آنها بی تجربه باشد. سازمان‌های مختلف دیگر ممکن در پلان گذاری طویل‌مدت، یا ارتباط عامه یا ستراتژی حقوقی مهارت داشته باشند. اتحاد میان این سازمان‌ها زمینه مقایسه یاد داشت‌ها و استفاده از بهترین شیوه‌های عملی را مساعد می‌سازد.

این تجارب نباید به ساحات سنتی جغرافیایی محدود بماند. در این جا و جاهای دیگر، آینده به توانایی‌های ما در خارج شدن از محدودیت‌های جغرافیایی و چرخیدن بر محور منافع مشترک بستگی دارد، فرقی نمی‌کند که ما در ساحه پروسس زردالو یا جهانگردی، انتقالات و ادبیات یا قانون مهارت داریم.

هر قدمی که ما در جهت توسعه بخشیدن به افق فعالیت، بر می‌داریم قدم بعدی ما را آسان‌تر می‌سازد. مثلاً در شمال افغانستان شبکه ما چندین پل را بر سر دریای پنج ساخت و با کمال خوشی می‌بینیم که در اطراف این پل‌ها بازارهای کوچک سرحدی ایجاد شده‌اند. وقتی چنین معاملات آغاز شود پیوسته سازی اقتصاد به سرعت زیاد صورت می‌گیرد. منطقوی سازی این علاقه‌مندی یک بخش عمده ایجاد محیط مناسب است.

اجازه بفرمائید این گفته‌های خود را با پرسش این سوال بسیار مهم به پایان ببرم. چطور می‌توانیم بفهمیم که این برنامه ما کار می‌کند، یا خیر؟ چطور باید بدانیم که کارها رو به بهبوداند؟ به آسانی می‌توانیم راه را گم کنیم. این فرضیه که چون ما تلاش زیاد می‌کنیم، یا مقدار زیاد پول را به مصرف می‌رسانیم، یا اینکه یک قضیه خوب برای ما انگیزه می‌دهد، یا اینکه ملاقات‌های زیاد انجام می‌دهیم، پس اثر کار ما حتماً خوب است، این یک نتیجه گیری نادرست است.

اما وضعیت همیشه این طور نیست. به همین خاطر است که همه ما باید در مورد نتایج حاصله از کارهای خود جوابگو باشیم. کار ما باید بر اساس نتایج قابل دید اثرات مثبت در بهبود زندگی مردم، مورد ارزیابی قرار گیرد.

چنین چیزی چگونه می‌تواند پیمایش شود؟

بیاید در این مورد در باره یک برنامه موفق که ما در یک کشور همسایه آغاز کرده‌ایم چیزی یادآور شوم: مرکز پاکستان برای فعالیت های بشردوستانه (پی سی پی).

یکی از کارهای پی سی پی این است تا به حیث یک مرکز تعیین معیار، عمل نماید، یعنی به حیث گروهی که برای سازمان های دست اندرکار تهیه کالای عامه تصدیق نامه صادر می نماید. این تصدیق نامه مهر تأیید بر کار درست این موسسات می باشد. قضاوت در ساحات اداره داخلی، اداره مالی و اجرای پروژه توسط قضات مستقل صورت می گیرد. هدف آن است تا معیارهای سکتوری تعیین شده و استفاده از بهترین راه ها ترویج و تبلیغ گردد.

پی سی پی با استفاده از سایت انترنتی و ذخیره آمار، می خواهد قضایای موفق را تبلیغ نمود تا از این راه تعداد بیشتری را به کار خوب تشویق کند. شما می توانید تصور کنید که این کار مهم می تواند به متحدین بالقوه در انتخاب شریک های با اعتبار کمک کند. حتی آن شرکت هایی که معیار پی سی پی را نمی توانند تکمیل کنند، می توانند از این برنامه بهره ببرند، زیرا پی سی پی زمینه تماس آنها را با گروه های تخصصی به خاطر بالا بردن ظرفیت شان برقرار می کند.

داستان پی سی پی نمایانگر پروسه پختگی جدید در عرصه انکشاف بوده و نشان دهنده جزیی از محیط مناسب نیرومند است.

در کل، مقابله با چالش های انکشافی یک مسئله پیچیده خواهد بود. چنین چیزی نه تنها به یک حکومت خوب، جامعه مدنی و بخش خصوصی نیاز دارد، بلکه به تلاش های جدید به خاطر هماهنگی و استفاده درست از نیروی آنها نیازمند می باشد. در بررسی و ارزیابی نتایج به نظم و ترتیب خاص نیاز است.

می خواهم سخنان خود را به تکرار این مطلب که در آغاز گفتم به پایان ببرم و آن اینکه یک محیط سالم تنها می تواند قسمتی از کار را انجام دهد. در تحلیل آخر محیط سالم چوکات کاری را ایجاد می کند که افراد از استعداد های شخصی خود بهترین استفاده را برده بتوانند.

یک آیه در قرآن کریم میفرماید: " خداوند وضعیت مردم را تغییر نمی دهد تا آنکه آنچه را که در خود دارند تغییر ندهند." در نهایت این اراده و درون مایه افراد است که به لطف و راهنمایی خداوند آینده ما را رقم می زند.

به همین هدف این کنفرانس دایر شده و برای بر آورده شدن این هدف ما باید بصورت دوامدار متعهد بمانیم.

تشکر از شما